



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۲۶

عزیز الله کهگدای

یادداشت‌های مرحوم حافظ نور محمد کهگدای (قسمت ۳۰)

زنان اعلیحضرت تیمورشاه درانی:

مادر تیمورشاه، زوجه اول و ملکه معتبر احمدشاه بابا، دختر خوش صورت سردار عربهای بهسود جلال آباد بود، وقتیکه تیمورشاه جوان بقدرت رسید، تعداد ازدواج های او بصورت نکاحی و صورتی بقرار روزنامه‌چیه خاص خودش به سه صد بالغ می شد که از میان همه معتبرترین حرم او را صبیات بنی اعمام احمد شاه بابا، سرداران قبائل درانی، صبیات شاهان تحت الحمایه، بیگزادگان قبائل، خانان و ملوک الطوائف کشور های متصرفه تشکیل میداد. انگیزه این ازدواجها بجهت محبت با سران قبائل و عده در اثر معرفی و پیشنهاد قبائل بواسطه خویشی رشته های تقرب بدودمان شاهی، خواه از روی احترام و خواه از نگاه اعزاز بود (احمدشاه بابا نیز در اثر خویشی با سران قبائل و بزرگان اقوام معروف و خانان همکاری خویشاوندان را جلب نمود از اینرو برای خود و پسران خود از اقوام و مذاهب مختلف زن گرفت و توانست بدین وسیله آرامش نسبی را برقرار سازد) ، هنگامیکه موکب اعلیحضرت تیمورشاه از شهری عبور میکرد، والیان وصوبه داران، خوانین و روسای محل از احترام زیاد و حصول افتخار دودمان خویش یکی از دختران خود را بجهت ازدواج اعلیحضرت پیشنهاد می کردند و خود پادشاه از خاطر دستگیری از احوال مردم که باید توسط خویشی ، روابط یگانگی با هر طایفه و سران قبیله داشته باشد، تن به اینقدر ازدواج را میداد.

لهذا اعلیحضرت تیمورشاه درانی صاحب ۳۴ پسر و ۱۳ دختر از زنان رسمی خود بود که مهمترین پسرانش همایون، سلطان محمود، شاه زمان، کهندل، شاه شجاع الملک، و از دخترانش مهرجان بیگم ، مهروماه ، گیتی فراز و گوهرتاج میباشد. القاب در دوره درانی از کلمات و اصطلاحات باستانی که با اصول عنعنوی مطابقت داشت، برسمیت شناختند: شاه بابا ، شاه لالا ، شاه کاکا ، شاه ماما ، شاه آغا و غیره و برای ازدواج محترمانه ، شاه کوکو، شاه بیبو، شاه بی بی ، شاه اده ، اده بی بی ، بی بی کلان و غیره استعمال میشد. علاوه برآن از القاب معمولی عربی و ترکی که از قدیم در وطن ما رایج بود، نیز استفاده می نمودند از قبیل علیا حضرت، علیا جاه ، علیا جناب ، شاه بیگم (بیگ «ترکی» مذكر بمعنی امیرو مونث آن بیگم) مانند امیربیگم ، وزیربیگم ، شاه خانم (خانم « ترکی » مونث خان) شاه زاده خانم ، امیربی بی ، سرور بی بی و امثال آن.

کذا در پیشانی فرامین و مکاتیب که به عنوان ازدواج شاه نوشته میشد جملات مترادف از قبیل غفت مآب ، عصمت مآب ، قمرنقاب، خورشید احتجاب، عالییه صفات، گوهر آرا، جوهر آرا، زینت آرا ، گوهرنساء ، زرین تاج، مهرجهان، نور جهان، فاطمه الزمان، خدیجه الزمان، سکینه الزمان و غیره نگاشته میشد.

فیض محمد کاتب هزاره و حبیب الله سقو: الحاج ملا فیض محمد هزاره مشهور به کاتب بن محمد سعید در رمضان ۱۲۸۹ ق مطابق به ۱۸۷۲م در دهکده زرسنگ قره باغ غزنی تولد یافته و در سن ۲۱سالگی توسط ملا محمد سرور اسحاق زائی به دربار امیر حبیب الله خان معرفی گردید . امیر مواد تاریخ ، مأخذ و مدارک خطی و چاپی و یادداشتها را که با توجه برادرش سردار نصرالله خان نائب السلطنه دستیاب کرده بود به او سپرده و امیرحبیب الله خان، کاتب را با تنخواه سالانه ۲۰۰ روپیه مأمور نقل و تألیف کتاب فرمود. بعد از مسوده جلد اول کتاب « سراج التواریخ »، سردار نصرالله خان معاش سالانه کاتب را به یک هزار روپیه مفتخر ساخت. در جلد دوم سراج التواریخ از طرف امیرحبیب الله خان بر علاوه احسانات مبلغ ۵۰۰ روپیه در جلال آباد و یک هزار روپیه در ختم جلد دوم بوی انعام بخشید و این تاریخ در دو جلد بطبع رسید.

کاتب در وقت اعلیحضرت امان الله خان چندی به ریاست دارالتألیف وزارت معارف وقت خدمت کرد والی ۱۳۰۷ ش در لیسه حبیبیه بحیث معلم ایفای وظیفه نمود. بعد از سقوط دولت امانی، حبیب الله بچه سقو که میخواست بیعت مردم هزاره را توسط متنفذین چنداول کابل حاصل کند، ملا فیض محمد هزاره را به همراهی عبدالرحمن خان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

کهدامنی، نورالدین خان میرآقا، خلیفه غلام حسن چنداول از کابل به سرچشمه هزاره جات فرستاد. حین ورود هیئات مذکور به آنجا، عبدالرحمن کهدامنی را مردم هزاره جات بقتل رسانیدند و ملا فیض محمد کاتب هزاره با سایر اعضای هیئات بی نیل مقصد، به هجله به کابل برگشتند.

حمیدالله پسر دوم سقاء برادر حبیب الله کلکانی که لقب سردار اعلی و مقام معین السلطنه را داشت، جاسوسان حبیب الله سقا فیض محمد کاتب را متهم به در ققاء، سران هزاره را به پایداری و مقاومت برضد حبیب الله سقا تشویق کرده است، به حمید الله احوال دادند، حمید الله نائب السلطنه فهمید که در اثر ایماء همین اشخاص مردم هزاره به سقا بیعت نکردند، او هیئات مذکور را به بهانه مذاکره در قلعه باقرخان خواسته و آنها را شدیداً شکنجه، لت و کوب کرد خلیفه غلام حسن معلم فرار کرده در وزیر آباد کابل پناه برد و فیض محمد کاتب هزاره با دو نفر دیگر شدیداً مجروح گردیدند که در اثر آن شکنجه بروز ۴شنبه ۱۶رمضان المبارک ۱۳۴۹ق مطابق ۱۹۳۰م وفات یافت کاتب یادگاری از خود بجاماند که عبارت از سراج التواریخ است این کتاب از معتبرترین کتب تاریخ است که درباره تاریخ افغانستان توسط کاتب تألیف شده است که در پنج جلد نوشته شده ولی تنها سه جلد آن در دسترس قرار دارد.

« پایان »